

ترسیم نموده آن کیفیت را در دماغ ناظر ایجاد نمیکند که از دیدن اصل پیدا میشود ،  
و این خود يك امریست که بر هر نویسنده لازم است آنرا در نظر داشته باشد .

گراورهای این کتاب نظر بمقاصد مختلفه‌ای که از آنها در نظر بود مختلف ترسیم  
یافته‌اند ، مثلاً در یکجا که مقصود نشان دادن صورت مجموعی بود نه نازک کاری مطابق  
سیستمی که جدیداً اختراع شده عکس را مستقیماً روی صفحه‌ای از سرب نقل نموده‌ایم ،  
و در جای دیگر که مقصود تادرجه‌ای نشان دادن جزئیات و نازک کاریها بود عکس را ابتداء  
بدون اینکه از نقاش کار گرفته شود روی صفحه‌ای از چوب انداخته و بعد آنرا روی  
صفحه‌ای از مس نقل نموده‌ایم ، و بااستثنای مواردی چند از نقاشی وقتی کار گرفته‌ایم  
که مقصود ارائه نازک کاریهای تفصیلی عمارت بوده است که از طریق دیگر ممکن نمیشد  
آنها را نشان داد .

در میان ۳۶۳ عکسیکه در این کتاب بمنظر میرسد حتی يك عکس هم نیست که  
مولود فکر هوسران يك نفر نقاش باشد . ما از تصاویر چاپی زیادی که مسیو ابرس (۱)  
و مسیو ماسپرو (۲) از مصر تهیه نموده و در مطبعه کتاب ما موجود بودند محض اجتناب  
از تصاویر خیالی صرف نظر از آنها نموده و از میان آنها فقط آن تصاویر را اختیار  
نمودیم که از روی عکس گراور شده بودند و تجدید آن دو باره لغو و بیفایده بوده است ،  
اگر چه مدار تصاویر ما بیشتر همان تصاویر عکسی است لیکن از يك صورتهائی  
هم که قبلاً طبع شده و در صحت آنها برای ما جای تأمل نبود استفاده نموده ایم مثل  
اینکه چند عدد از تصاویر قلمی کوست (۳) و بریس داوریز (۴) و جونس (۵) و همچنین  
از تصاویر قلمی دو کتاب قدیم التظیری که راجع بعمارات و ابنیه اندلس تألیف و در

۱- M. Ebers ، ایرس یکنفر آلمانی و ماسپرو فرانسویست ، مشارالیهما راجع بزبان و تاریخ آثار  
قدیمه مصر تحقیقات عمیقہ بعمل آورده‌اند مخصوصاً ایرس گذشته از مراتب علمی یکنفر نویسنده مبرز  
هم هست ، او راجع باصول زندگیانی قدیم مصر بطور افسانه کتابی نوشته که بنام السنه اروپائی ترجمه  
شده است .

۲- Maspero. ۳- Cost. ۴- Prise d'Avise. ۵- Jones.

همانجا بطبع رسیده استعمال نموده ایم. هر چند در اینجا هم واقعاً از عکس کار گرفته شده زیرا که تصاویر قلمی را بوسیله برداشتن عکس کوچک کرده گراور نموده اند. گراور های کتاب طوری پیش آمد که در درج آنها ممکن نشد رعایت ترتیب بعمل آید لیکن راجع بتمام آنها فهرست مخصوصی در آخر کتاب درج نموده ایم که در این فهرست ترتیب آنها تحت عناوین و موضوعات بعمل آمده است و خوانندگان بوسیله آن هر نوع گراوری را بخواهند میتوانند در یکجا بدست بیاورند. و نیز بانظر اجمالی بفهرست مزبور معلوم میشود که اقسام گراورها چقدر متنوع و بعضی از آنها طور است که پیش از این هیچ انتشار پیدا نکرده است.

اگر چه در هر يك از صفحات رونوشت کتاب استنادهائی بکتاب مختلفه موجود بوده است لیکن موقع چاپ، آنها را یکی بواسطه اهمیت گراور، دیگر بملاحظه ترتیب کتاب انداختیم و در عوض فهرستی در آخر کتاب در این باب ترتیب داده ایم که از مراجعہ بان خوانندگان نسبت بهر باب و فصلی میتوانند اطلاعات خود را بسط داده تکمیل نمایند. هر يك از فصول کتاب ما خلاصه ایست از يك سلسله تحقیقات خیلی مفصل و طولانی و بوسیله فهرست کتاب میتوان باسانی پی بان تحقیقات برد.

ما این دیباچه را در همینجا بذکر اسلوب بیان و تحقیقی که در این کتاب و سایر کتب متعلقه بتمدن اقوام مختلفه بکار خواهیم برد ختم مینمائیم.

مبانی و اصولی را که ما بطور عموم اختیار نموده ایم از قرار ذیل است:

- ۱ - بیان ضرورت یعنی حتمی بودن واقعات تاریخی (۱).
- ۲ - ربط دادن يك واقعه را بوقایعی که قبلاً وقوع یافته (اگر چه فاصله آن زیاد هم باشد) و بیان علاقه و ارتباطی که بین آنها است و در این قسمت موادیکه بکار خواهیم برد بشرح آتی است:

نشان دادن اسناد و مدارك متعلقه بقومی که موضوع بحث است بطور صحیح و

۱ - و این اشاره است بقول حکمای مشرق که میگویند: «هر چیزی تا واجب نشود موجود نخواهد شد».

## دیباچه مؤلف

شایسته ، بیان خصائص جسمانی و روحانی آن قوم و کیفیت سرزمینی که در آنجا پیدا شده و عوامل و اسباب مختلفه ای که در حیات آنها مؤثر بوده ، عناصر و اجزاء مختلفه تمدن و ترقی ، عوائد و رسوم ، عقاید و ادیان ، تصانیف علمی و ادبی ، حرف و صنایع و تاریخ پیدایش و نشو و نمای هر يك از مواد نامبرده . چنانچه از ترکیب این اجزاء مختلفه صورتی که تشکیل مییابد اگر آن توانست اوضاع و احوال قوم را کاملاً روشن ساخته در نظر خوانندگان مجسم سازد آنوقت معلوم میشود که در تألیف کتاب مقصودی که در نظر بود کاملاً حاصل شده است .

کتاب اول

سزین، نراد

# باب اول - جزیره العرب

## فصل اول

### جغرافیای عربستان

عربستان مهد مذهب اسلام و مولد و موطن همان امپراطوری معظمی است که خلفای اسلام آنرا تأسیس نمودند. این مملکت شبه جزیره خیلی بزرگی است که يك قسمت آن ریگستان و سه طرف آن دریاست باینمعنی که از سمت مغرب محدود است ببحر احمر و از مشرق ببحر عمان و خلیج فارس و از سمت جنوب بدریای هند منتهی میشود. شبه جزیره مذکور از سمت مغرب با فریقا و از مشرق با آسیا اتصال پیدا میکند. طرف مغرب و مشرق و جنوب آن دریاهای نامبرده واقع شده اند. حد شمالی این شبه جزیره درست معین نیست یعنی حد مزبور طوری واقع شده است که از غزه (۱) واقع در کنار بحر الروم خطی بجنوب بحرالعمیت متصل شده و از آنجا بدمشق و از دمشق به نهر فرات و از کنارهای فرات بخلیج فارس منتهی میشود. پس تمام این خط را میتوان حد شمالی عربستان نامید. حد اکثر طول شبه جزیره مزبور ۲۳ درجه یا (۲۵۰۰) کیلومتر و حد اکثر عرض آن که مابین بحر احمر و خلیج فارس است (۱۰۰۰) کیلومتر و مجموع مساحت آن متجاوز از سه میلیون کیلومتر مربع میباشد که در واقع شش برابر مساحت فرانسه است. عدد نفوس عربستان بطور تحقیق معلوم نیست و قبل از چند

۱- Gaza (یکی از شهرهای فلسطین).

سال بده میلیون تخمین شده لیکن بموجب تحقیقات جدیده از پنج میلیون تجاوز نمی کند که يك میلیون آن بدوی می باشند. اگر ظاهر این شبه جزیره بدقت ملاحظه گردد معلوم می شود که آن مانند صحرای افریقا يك بر اعظم مسطحی است که اراضی آن از ریگستان و سنگلاخ و نیز قطعات حاصلخیز و شاداب ترکیب یافته و قسمت عمده سرایشب آن طرف خلیج فارس واقع است. در این صحرای وسیع، وادیها و نواحی کوهستانی مشتمل بر قری و قصبات زیادی هستند که سکنه آن بوسیله کشت و زرع اوقات بسر می برند و اما قسمت ریگستان و آن به بدیهها اختصاص دارد که همیشه بصحرا نوردی مشغول می باشند.

قسمت مرکزی این شبه جزیره موسوم است به نجد یعنی سرزمین مرتفع، خطه مزبوره را جزیره حاصلخیزی باید نامید که اطراف آن عوض آب چپال و ریگستان واقع شده. از روی تخمین نصف اراضی این کشور حاصلخیز و آباد و نصف دیگر آن خشک و بایر است و از دیدن نقشه معلوم می شود که حصه بایر آن قدری بیشتر می باشد ولی اصل مطلب این است که هنوز جغرافیای عربستان تحقیقاً بر ما معلوم نیست و نقاطی را که سیاحان نتوانسته اند سیاحت کنند جای آنها در نقشه خالی گذاشته شده است.

در عربستان سلسله چندی از جبال وجود دارد که از آنها هم تحقیق کامل بعمل نیامده و آنمقدار تحقیقاتی هم که در اینباب شده بیشتر مخصوص به سلسله جبال واقعه در قسمت سواحل شرقی بحر احمر است که ارتفاع بعضی از آنها بالغ بر دو هزار و پانصد متر می شود.

یکی از مختصات عربستان این است که در آن، رودخانه ونهری که آب آن همیشه جاری باشد وجود ندارد ونهرهایی هم که هستند در اکثر آیام سال خشک افتاده اند. این نهرهای خشک که آنها را وادی می نامند در هر يك از نقاط این کشور پراکنده و بعضی مثل وادی رومینا<sup>(۱)</sup> طول آن بالغ بر ۱۳۰۰ کیلو متر می شود.

۱- Roumina.

این نهر ها در موسم بارندگی وقتی که از آب پر میشوند مانند شطّ بزرگی بنظر میآیند ، عربستان از ابتدای تاریخ همیشه از حیث گرمی و خشکی ، و کم حاصلی مشهور بوده است و این خشکی و گرمی بواسطه منهدم شدن جنگاوها بیشتر شده چنانکه در الجزایر مشاهده میشود که آن در زمان رومیان نهایت درجه حاصلخیز و حالیه خشك و بابر افتاده است . اگر باران عربستان نمیبود که غالباً تا چند ماه طول میکشد شاید این سرزمین هیچ قابل سکونت نبود و حالیه هم که در بعضی سنوات اتفاقاً بارندگی کم میشود تمام آن نقاطی که بارندگی نشده بکلی ویران و تباہ میگردد . با این خشکی غیر قابل تحمل باد مهبیبی هم وجود دارد که آنرا باد سموم یا خمسین مینامند و همین باد سموم نبودن آب هر دو در عربستان اسباب خطر و تهدید کاروان و قوافل میشود .

مسئله دورزه (۱) مینویسد که «موقع آمدن باد سموم علائم و آثار آن فوراً بر قافله ظاهر و هویدا میشود . ابتدا در آسمان از سمت افق سرخی پیدا شده ، سپس تار بک و در آخر سربل رنگ میگردد . قرص آفتاب بکلی کم نور شده و مثل کره ای از خون بنظر میآید ، تمام فضا پر میشود از رنگهای ریز نرمی که باد آنها را منتشر ساخته است . مثل کفهاییکه طوفان دریا آنها را بتموج و حرکت در میآورد . آنوقت است که باید دست و پا را جمع نمود و رو بفرار گذاشت چه بعد از این باد خمسین بلافاصله انقلابی در آسمان و زمین ایجاد میکند و طوفان سموم موجهایی از رنگهای صحرا در هوا تشکیل میدهد و مسافر بیچاره فوراً نفس تنگ شده چشمها سرخ ، لبها خشك و بک التهاب غیر قابل تحملی در وی پیدا میشود ، اما شتران گاهی سرا سیمه شده بنای دویدن را میگذارند و گاهی سر جای خود ایستاده گردنهای دراز خود را زیر رنگها پنهان میکنند و تا مدتی که طوفان باد در اشتداد است پوزه را بزمین مالیده برای حفظ حیات خود هزاران کوشش بعمل میآورند . اگر در این حالت رستخیز ، قافله راه را کم

۱- مسیو دورزه M. Desvergiers ، یکی از نویسندگان مشهور فرانسه است ، او عربی را در پاریس تحصیل نموده سرگذشت حضرت رسول صا تألیف ابوالفداء را در سنه ۱۸۳۷ و تاریخ افریقای ابن خلدون را در سنه ۱۸۵۷ میلادی با ترجمه به چاپ رسانید . سال ولادت او سنه ۱۸۰۵ و فانش ۱۸۶۴ میلادی بوده است .

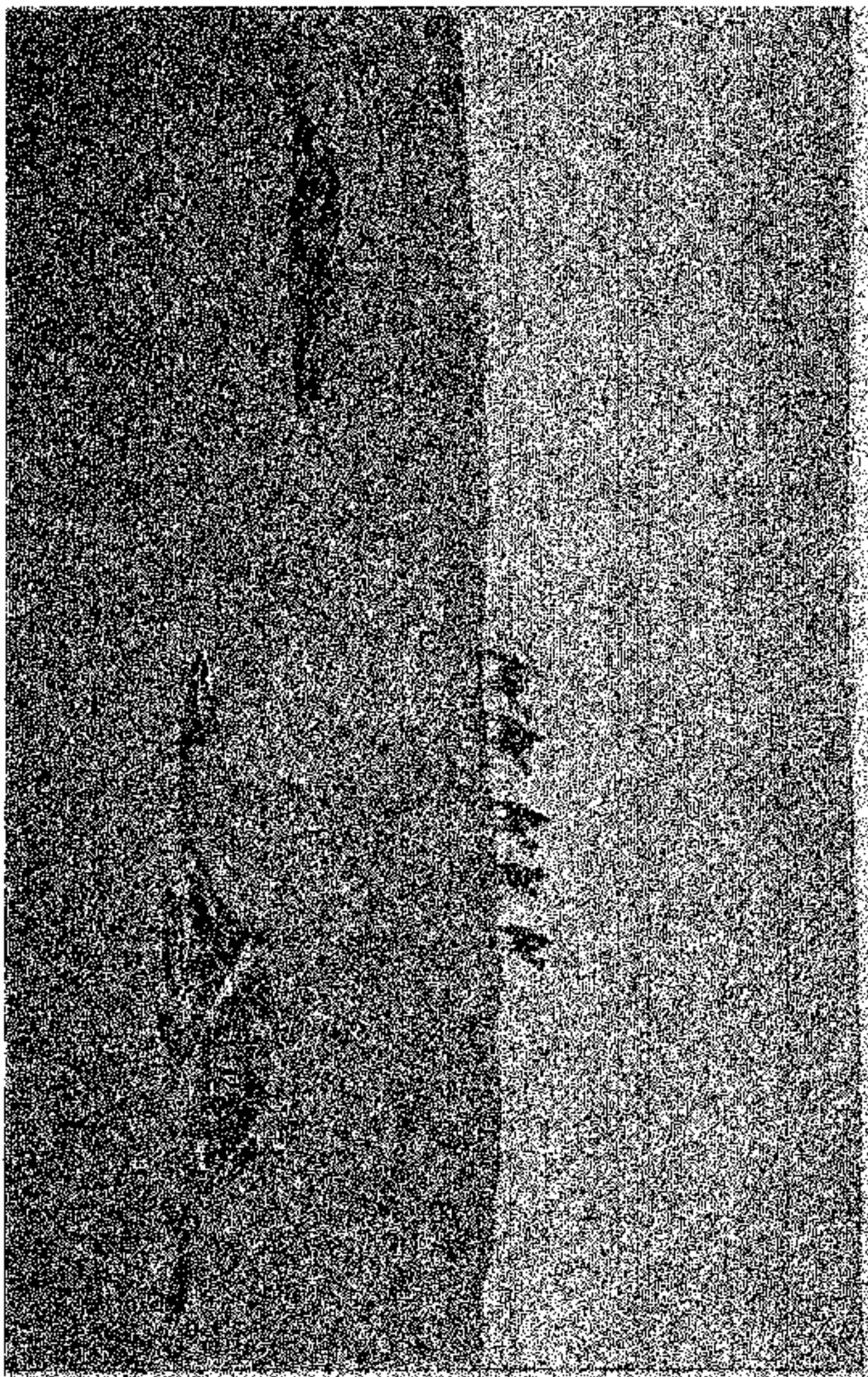
نکنند میان غار یا زیر سنگی پنهان شده و انتظار میکشد تا طوفان باد خاتمه پیدا کند لیکن اگر خدای نخواستہ در آن بادیه بی انتها ملجأ و پناگاہی پیدا نشود و قافله راه را کم کرده یا طوفان باد ادامه پیدا کند آنوقت انسان و حیوان هر دو دست و پای خود را کم کرده دیگر هیچ قوه باقی نمیماند و برای حفظ جان، شعوری هم که در هر جان داری ذاتی است از آنها سلب میشود. در این هنگام از شدت حرارت و گرمی بکلی پریشان و خسته و گرفتار دوران سر شده دست و پا یکسره از کار میافتد و ناچار تمام افراد قافله روی ریگ می نشینند و چیزی نمیکنند که باد امواج ریگ را بلند کرده آنها را زیر خاک طوری مستور میسازد که هیچ علامتی هم از آنها باقی نمیماند تا اینکه بعد از سالیان دراز روزی دوباره چنین طوفانی برخاسته و ریگها را کنار برده استخوانهای سفید آنها را جلو چشم ماییدار میسازد، گرمای داخله عربستان کلیه بحال شدت میباشد، میزان هوای صحرای عربستان در روز از ۴۳ و شب از ۳۸ درجه پائین میآید، لیکن گرمای نواحی کوهستانی و سواحل آن هیچوقت شدید نمیشود.

**نیبور (۱)** مینویسد: «درجه گرما در یمن تا آخر ژوئیه از ۲۹ سانتیگراد تجاوز نمیکند و در صفا موسم زمستان آب یخ می بندد». این گرما و خشکی که گفتیم اینطور نیست که در تمام قطعات عربستان وجود داشته باشد بلکه بعضی قطعات آن که از حیث مساحت از ممالک بزرگ معبر فرنگستان کمتر نیست نهایت درجه شاداب و حاصلخیز میباشد. چنانکه **پالگراو (۲)** مینویسد: «نجد و یمن از حیث آب و هوا سالمترین نقاط دنیا محسوب میشود. صحرای عربستان بکلی ریگستان است و در نقاط مختلف آن وادی و چشمه های آب واقع شده و در خت های خرما موجود میباشد، مرتع و چراگاه هم برای حیوانات در این نقاط بدست میآید. در این صحراها بدویان زندگانی میکنند

۱- Niebuhr، نیبور از سیاحان مشهور آلمانی است، او در سال ۱۷۴۲ و ۱۷۶۱ میلادی بهرستان مسافرت نموده و از راه هند و ایران و روم (شرقی) مراجعت کرد. مشارالیه دو کتاب راجع بهرستان نوشته، ولادتش سال ۱۷۳۳ و وفاتش ۱۸۱۵ میلادی است.

۲- Palgrave، پالگراو از سیاحان مشهور انگلیس است که عربستان را سیاحت نموده و زبان عربی را خیلی خوب میدانست و در سال ۱۸۶۲ میلادی به نجد مسافرت نموده، دو چند کتاب هم راجع بآن نوشته، تولد او سال ۱۸۲۶، وفاتش ۱۸۸۸ میلادی است.





(۱) - دورنمای قسمتی از صحرائ عربستان

بسر بردن در بادیه و صحرا نشینی که بنظر ما چقدر صعب و سخت است در نظر این اعراب بقدری مطبوع میباشد که آنرا بر زندگی در قصبات و شهرها براتب ترجیح می دهند و این يك خصیلتی نیست که تازه در آنها پیدا شده باشد بلکه هزاران سال است در آنها وجود داشته زیرا بدویهای کنونی، اولاد و احفاد همان بدویهایی هستند که ذکر آنها در کتاب مقدس توریة بعمل آمده و نیز عادات و رسوم و طرز زندگانی و لباس آنها بعینه همانطور است که در اعصار قدیمه در اجداد و اسلاف آنها وجود داشته است.

از بیان مختصر فوق در کیفیت کشور عربستان معلوم می شود که بین نقاط مختلفه آن از حیث زمین و آب و هوا فرق نمایانی موجود و نیز وسائل زندگی و حیوانات و نباتات این نقاط هم باهم اختلاف کلی دارند و بنا بر این در عادات و اخلاق و اوضاع سکنه نقاط نامبرده هم باید فرق کلی موجود باشد.

## فصل دوم

### محصولات عربستان

در میان محصولات عمده عربستان خرما و قهوه از جمله محصولات می هستند که ذکر آنها خالی از اهمیت نیست. اما خرما قسمت مهم غذای سکنه کشور را تشکیل میدهد و قهوه یکی از محصولات تجارتهی بشمار آمده و منبعی است برای تحصیل ثروت. علاوه برین بعضی محصولات مخصوصه ای هم هست از قبیل: کُشدر، فلوس، سنا، بلسان مکی و غیره که تجارت آنها از قدیم متعلق به عربستان بوده است. نظر با اختلاف آب و هوای قطعات مختلفه عربستان محصولات آن هم مختلف می باشد باین معنی که محصولات مناطق حاره و معتدله هر دو در آنجا پیدا می شود مثل: پنبه، نیشکر، انجیر، بیابانی، عقیاق، زبان گنجشک و غیره. درختهای جنگلی، خیلی کم دیده میشود و بیشتر همان نخل است که بواسطه آن در دور نماهای ممالک شرقی کیفیت خاصی پیدا می شود. تمام اشجار و نباتات و محصولاتی که در فرنگ پیدا میشود در نقاط حاصلخیز عربستان هم بدست می آید از قبیل: زردآلو، شفتالو، انجیر، بادام، انگور، گندم و جو، زرت، باقلا، نمباکو و غیره. کشت و زرع در یمن خیلی خوب انجام می گیرد لیکن زارعین باید رنج و مشقت زیادی را

تحمل کنند زیرا لازم است که زمین را همیشه سیراب نگاهدارند و برای اینکار مجبورند که از آب باران تالاب و اسطخرهایی ترتیب دهند.

از حیوانات اهلی که در اروپا وجود دارند مثل: قاطر، الاغ، گاو، بز، میش و غیره در عربستان هم تمام آنها تربیت شده موجود میباشند و از حیوانات درنده هم مثل: شیر، ببر، پلنگ، و غیره بکثرت در آنجا یافت میشوند. در بین حیوانات موذیه عربستان هیچ حیوانی بقدر ملخ خطرناک نیست چه آن بعضی اوقات نقصان و خسارت زیادی بمردم وارد میسازد، البته وجود اینگونه حشرات بکلی خالی از فایده و نفع هم نیست چنانکه دیده میشود اکثر اوقات در صحرای مسافر و چهاربایان از همین حیوان میباشد. در میان حیوانات عربستان اسب و شتر دو حیوانی هستند که برای انسان زیاده از حد مفید و نافع میباشند علی الخصوص شتر، گویی برای عربستان ایجاد شده و بدون این حیوان مسافرت در بر عرب از محالات شمرده میشود. قناعت و کم خوراکی او و صبر بر تشنگی و تحمل در مشاق و نیز قوت جسمانی، تمام اینها خصایصی است که بواسطه آن نمیتوان ویرا با سایر چهاربایان در بادیه بیمائی با بارکشی طرف مقایسه قرار داد. از حلب تا صحرای بصره یک شتر با ۱۸۰ الی ۲۱۰ کیلو بار با خوراک خیلی مختصر و ساده این مسافت بعیده را بخوبی طی مینماید. حقیقت اینکه شتر حیوانی است نهایت درجه قانع و کم خوراک و با چیزهایی هم بسر میبرد که حیوانات دیگر ابدأ نمیتوانند با آن زندگی کنند چنانکه من هیچوقت نتوانسته ام بلا تعجب بیشتری نگاه کنم که با کمال راحتی مشغول بود بخوردن برگ خارهای درشت تیغ داری که در دو طرف راه روئیده شده بودند.

اما اسب عربستان بسی مشهور و بسیاری از نویسندگان و سیاحان در تعریف و توصیف آن مضامینی برشته تحریر در آورده اند لیکن نویسنده در اینمقام فقط مقاله ای را که مسیو دورژه (۱) در اینباب نوشته است از نظر خوانندگان میگذارم و بان اکتفا مینمایم.

او چنین مینویسد: «اسب عربی متناسب و قوی، زیرک و حساس، چست و چالاک، پر نخوت و ناز، موقعیکه در چراگاه آزاد میگردد هیچ حیوانی از حیث

۱- بنیل صفحه «۳۴» رجوع شود.

صورت و شکل قشنگتر و همچنین در سیرت عالیتر از وی بنظر نمیآید. سر کوچک و کم گوشت، چشم تیز و گیرنده، سوراخهای بینی گشاده و باز، گردن بلند، کمر باریک، تهیگه پُر و کوتاه، کفل کمی کشیده، دم از زیر برجسته، دست و پا نازک، با فراست و هوش، مطیع و بی آزار، تربیت پذیر، پُر دل و جری، کم خوراک، تیز رفتار، و همین خصائل و صفاتند که اسب عربی را از تمام اسبان دنیا ممتاز، حتی بر بهترین نژاد اسبان اروپا تفوق و مزیت بخشیده است.

اعراب بادیه از میان تمام اسبان عربی فقط پنج نژاد را که شجره آنها منتهی به پنج مادین پیغمبر اسلام میشود بیشتر پسند میکنند و با آنها اهمیت زیاد میدهند. وقتیکه از یک مادین عالی نژاد کُرّه ای پیدا میشود مجلسی تشکیل داده جمعی را برای شهادت و گواه دعوت مینمایند و در حضور آنها تاریخ ولادت، نام، سلسله نسب مولود مذکور را روی کاغذ آورده و بامضاء مدعوین میرسانند. سپس آنرا میان بالشتکی از چرم ضبط نموده بگردن آن کُرّه میآویزند و از آن تاریخ بعد این کُرّه در عداد یکی از سمندهای صبارفتار و باد پیمانی محسوب میشود که بر سر آنها غالباً نزاع و جنگهای خونین و دهشتناکی بین قبایل رویداده است.

سخن اینجاست که در ریگستان عرب اکثر اتفاق افتاده که جان یکنفر سوار از تیز رفتاری این حیوان محفوظ مانده است.

**بورکهارد** (۱) مینویسد که «در سنه ۱۸۱۵ جماعتی از روز (۲) که

اسبهای آنها نهایت درجه تند و تیز رفتار بودند یکی از قبایل **حوران** (۳) حمله برده

۱- Burekhardt «بورکهارد یکی از مشاهیر قدماست که مشرق را سیاحت کرده. او ابتدا مسافرتی بافریقا نموده و از طرز معاشرت مشرق بقدری خوشش آمد که در مصر سکونت اختیار نمود و در زبان و لباس و طرز معاشرت، خود را بینه یکنفر مصری نشان میداد و شغل او تجارت بوده. او اولین اروپائی است که مکه معظمه را زیارت نموده و در امثال عرب کتابی تألیف کرده، این کتاب در سال ۱۸۷۵ میلادی دوباره بطبع رسیده که معروف میباشد. تولد او سال ۱۷۸۴ و وفاتش در سال ۱۸۱۷ میلادی است.

۲- Druses، دروز قبیله ایست در لبنان که از پیروان خلیفه ششم فاطمی مصر الحاکم بامرانه میباشد. عده نفوس آن حالیه بالغ بر دویست و پنجاه هزار نفر که نصف آن مسلمان و باقی نصرانی هستند.

۳- Hauran، حورات یکی از ایالات سوریه و سمت غربی دمشق واقع شده و آن مشتمل است بر قراء و قصبات زیاد.

را شکست داده تا جلو چادر هاشان تعاقب نمودند و بعد در جلو چادر ها آن بیچارگان را از چهار سمت محاصره کرده همه را بقتل رسانیدند الا یکنفر از آنها که سوارمادیان خویش شده از میان دشمن گذشت و بطرف صحرا فرار کرد ، فوراً چند نفر سوار که اسبهای آنها بغایت تیز رفتار بودند او را تعاقب نمودند . سوار حورانی کبوه و دشت و نشیب و فراز را مثل باد صرصر طی کرده گذشت لیکن سواران دشمن هم مأیوس نشده عقب سر او بنای دویدن را گذاشتند زیرا در روز بکینه جوئی مشهور و قسم خورده بودند که از حریف یکنفر را زنده باقی نگذارند . این فرار و تعاقب چندین ساعت دوام داشت تا آنکه تیز رفتاری مادیان حورانی بدرجه ای بالا گرفت که آنها از حال غضب بیرون آمده از خون وی درگذشتند و باو قسم دادند که توقف کنند تا پیشانی مادیانش را ببوسند ، سوار مزبور راضی شده ایستاد و در روز هم او را آزاد گذاشته هیچ متعرض وی نشدند . همین قدر باو بعبارت ذیل که از امثال مشهور عرب است گفتند « اول دست و پای اسب خود را بشوی و بعد ، از آن آب بیاشام » و آنها از آن سوار واسبش با اینکه اذیت زیاد دیده بودند بقدری کیف کردند که با کلمات مزبوره مسرت خود را اظهار نمودند . راجع به اسب عربی من این چند کلمه را هم می خواهم بر بیان فوق اضافه نمایم که طرز سیر و رفتار این حیوان دو قسم است : یکی قدم دیگر چهار نعل . اما حسن اطاعت اسب عربی نسبت بصاحب خویش و آن معروف است . خود من ادر اوقات اعراب را دیده که از اسب پیاده شده عنان را بگردن اسب انداخته اند . این حیوان همانطور ایستاده و از جای خود ابدأ حرکت نکرده است اگر چه اسب در عربستان اینقدر مفید و کار آمد است لیکن مثل شتر عمومیت ندارد و علت آنهم این است که در هر يك از نقاط عربستان پرورش شتر ممکن ، بر خلاف اسب که فقط در نقاطی قابل پرورش و تربیت است که علیق یافت میشود مثل عراق عرب ، شام ، نجد ، و غیره . نجد يك بخطه ایست که اسب آن نسبت بسایر نقاط عربستان زیاده نفیس و قیمتی می باشد .

در يك زمان چنین تصور میکردند که در عربستان معدن طلا و نقره و جواهرات بکثرت وجود دارد ولی امروزه اثری از آن دیده نمیشود ، فقط در بعضی جاها مس و





(۲) يك منظره از خيام حجاج نزديك مكه در موقع حج

آهن دیده شده و حقیقت امر اینست که ما چون از حالات این کشور اطلاعات کافی نداریم نمیتوانیم راجع بمعادن آن بطور قطع اظهار عقیده نمائیم .

صنعت و تجارت امروزه یمن که یکی از ایالات عربستان میباشد بعینه همان ترتیبی است که در زمان قدیم معمول بوده و آن عبارت است از : زیور آلات ، خرما ، اسب سنا ، کُنْدُر ، مَرْمَکِی و غیره که از خود مملکت پیدا میشوند . مال التجاره هائیکه بارو یا حمل شده و با از هندو ایران و افریقا وارد میشوند هنوز مثل قدیم بوسیله قافله میباشد . در عربستان هم مثل سایر ممالک مشرق حساب مسافت از روی ساعت بعمل میآید ، عموماً شتری که بارش سنگین نباشد در هر ساعتی دو میل ونیم تقریباً راه طی میکند و ازینرو فاصله هائیکه در نقشه بنظر ما خیلی کم معلوم میشود برای قطع آن يك مدت طولانی

لازم میباشد. در عربستان راه شوسه و جاده هیچ نیست و بیشتر راه کاروان از میان همان وادیهائی است که در بالا ذکر نمودیم .

علاوه بر مسئله راه چیزی که فوق العاده لازم است در نظر گرفته شود مسئله آبست که از مسائل حیاتی بشمار آمده و بدون آن محال است جان در برد. راههائی که از قدیم الایام معمول بوده است هنوز باقی و معروف ترین آنها راهی است از دمشق بیغداد و از ریاض بمکه و مسقط و بغداد و دمشق میروند .

## فصل سوم

### ایالات و ولایات عربستان

مورخین قدیم معلوماتی که از داخله عربستان داشتند خیلی محدود بوده است. هرودوت<sup>(۱)</sup> که از مورخین مشهور یونان است آن را در الفاظ چندی ذکر نموده بان اکتفا مینماید .

استرابون<sup>(۲)</sup> و دیودور<sup>(۳)</sup> شرحی در اینباب ذکر نموده اند ولی بیشتر راجع است باجناسیکه از هند وارد عربستان شده و یا از خود عربستان بخارج حمل میشوند. بطلمیوس<sup>(۴)</sup> که اطلاعاتی از عربستان نسبتاً بیشتر بود مینویسد : در یمن یکصد و

---

۱- Hérodote ، هرودوت گذشته از اینکه مورخ بود سیاح هم بوده است. او بابل و مصر و فلسطین را سیاحت کرده کتابی هم در تاریخ نوشته است . تولدش تقریباً در سال ۴۸۴ قبل از میلاد مسیح ، وفاتش هم در سن ۴۲۵ قبل از میلاد بوده است .

۲- Strabon ، یکی از سیاحان یونان و در تاریخ و جغرافی مقام شهرت را حائز است . تولدش در سال ۵۴ قبل از میلاد مسیح ، وفاتش سال ۲۴ میلادی بوده است .

۳- Diodore ، از مورخین مشهور یونان و ساکن جزیره سبیل بوده . او اروپا ، آسیا ، افریقا را سیاحت کرده و در مراجعت در روم ( شرقی ) اقامت نمود . مشارالیه در نتیجه ۳۰ سال زحمت کتابی در تاریخ در ۴ جلد مشتمل بر شرح حالات و واقعات هزار و یکصد سال تألیف نموده ولی متأسفانه تمام آنها مفقود شده ، فقط بعضی از اجزاء آن بدست آمده ، از تاریخ تولد و وفات این مورخ شهرت همینقدر معلوم میباشد که زمان او قبل از میلاد مسیح بوده است .

۴- Ptolémée ، یکی از فلاسفه و ستاره شناسان زیر دست اسکندریه بوده و نظام بطلمیوس بنام او مشهور است . کتاب معروف مجسطی و جغرافیای او تا سیزده قرن در دنیا شایع بوده . زمان او سال ۱۲۷ میلادی است .

هفتاد قصبه و پنج شهر بزرگ وجود دارد. رومیان در تمام دوره جهانبانی خود از عربستان کم مطلع بوده اند و چون چنین تصور میکردند که اقسام دواجات، عطریات، منوجات، جواهرات که در واقع از هند باچین وارد میشدند مخصوص عربستان و از محصولات آنجا است چندین مرتبه برای فتح آن کوشش نمودند ولی نائل بمقصود نشدند و این جهانگیران ربع مسکون که تمام اقوام عالم را تحت حکومت خود در آوردند این اعراب بدوی صحرا نورد را که اراضی ریگستان و هوای گرم و سوزان قلعه محکم آنها بود هیچوقت نتوانستند تحت فرمان خود بیاورند.

چیزی نگذشته است که سیاحان اروپا شروع بسیاحت عربستان کرده اند. نیبور در سنه ۱۷۶۲ میلادی این مملکت را سیاحت نموده است و قبل از او معلوماتی که از مورخین عرب یا بطلمیوس درست بود تماماً بحال تردید باقی و غیر قابل یقین بوده است. بطلمیوس اول کسی است که برای عربستان نقشه ای مبنی بر تحقیقات علمی ترتیب داد لیکن او هم فقط قسمت کمی از یمن را دیده بود. بعد از نیبور تا پنججاه سال کسی بفکر سیاحت عربستان نیفتاد تا اینکه در سال ۱۸۱۵ بورکهارد مسافرتی بدانجا نموده از حالات اعراب علی الخصوص از مکه و مدینه مواد زیادی جمع آوری نمود و پس از چندی که لشکر مصر بوهابیهها حمله بردند موقعی بدست آمده از جغرافیای عربستان تحقیقات زیادی بعمل آمد. بعد از آنها سیاحان چندی بعربستان مسافرت کرده اند که مشهورترین آنها وائل<sup>(۱)</sup> در سنه ۱۸۴۵، بورتین<sup>(۲)</sup> سال ۱۸۵۲ و

- ۱- Wallin ، وائل در زبان عربی مهارتی تمام داشت ، او در سال ۱۸۴۸ بلباس یکنفر از علمای منهب اسلام از سواحل بحر احمر تا حایل را توانست سیاحت نماید .
- ۲- Burton ، بورتین یکنفر سیاح و نویسنده و در علم لغات مشهور بوده و کتب چندی هم تألیف نموده است ، او در سال ۱۸۴۲ میلادی در اداره کمیانی هندوستان مستخدم شده قسمت کوهستانی نیگری را مشغول تحقیق و بررسی گردید و در مدت قبل در السنه شرقی مهارت حاصل نمود و در سال ۱۸۵۲ میلادی بلباس درویشی مکه و مدینه را کاملاً سیاحت کرد و شرح مسافرت و سیاحت خود را در سه جلد کتاب تدوین نمود . افریقا ، امریکای جنوبی ، فلسطین و غیره را هم سیاحت کرده و راجع بهر يك کتبی هم تألیف نموده است ، آخرین کتاب او ترجمه الف لیله و لینه است که در اروپا ترجمه مزبور فوق العاده پسند واقع گردید ، تولد او در سال ۱۸۲۱ و فانش در سال ۱۸۹۰ میلادی است .



**پانگراو** سال ۱۸۶۲ میلادی . مخصوصاً **پانگراو** نجد و قسمت مرکزی عربستان را کاملاً سیاحت نموده که قبل از او هیچیک از سیاحان اروپا با آنجا قدم نگذاشته بودند (۱) .  
قدماً عربستان را سه قسمت تقسیم نموده اند : قسمت شمالی و شرقی که موسومست بحجاز کوهستانی . قسمت شرقی و جنوبی را یمن نامیده و قسمت مرکزی و شرقی را صحرای عرب میگویند . اما حجاز شامل آنقسمت از عربستان است که از فلسطین تا بحرا حمر واقع شده و صحرای عرب عبارت از ریگستانی است که از حدود شام و عراق عرب بشط فرات و خلیج فارس اتصال پیدا میکند .

و اما قسمتهای جنوبی جزیره العرب یعنی نجد و حجاز جنوبی و یمن و عمان و غیره تماماً داخل در یمن میباشد . علمای جغرافی عرب که از این تقسیم واقف نبودند حجاز شمالی را که قدماً آنرا حجاز کوهستانی مینامیدند اصلاً از عربستان نمیدانستند و آنها تقسیماتی را که در کتب خود ذکر نموده اند بشرح ذیل میباشد :

۱ - حجاز بخطه ایست مشتمل بر ریگستان و اراضی کوهستانی و آن در قسمت مرکزی سواحل بحرا حمر واقع شده مکه و مدینه جزء آن میباشد . ۲ - یمن در جنوب حجاز واقع شده و آن در قسمت جنوب غربی جزیره العرب حاصلخیزترین نقاط محسوب است . ۳ - حضر موت . ۴ - ماهره . ۵ - عمان . ۶ - احساء واقع بین خلیج عدن و خلیج فارس . ۷ - نجد یعنی قسمت مرکزی عربستان که بسیار حاصلخیز و مشتمل است بر بلوک و قصبات بزرگ لیکن از اطراف محصور بر ریگستان میباشد .

تقسیم فوق که از قدیم معمول بوده با تقسیم سیاسی عربستان مطابق نمیباشد . در زمان جاهلیت تمام مملکت تقسیم میشد بین قبائل کوچکی که هر کدام در یک قسمت حکومت مینمودند . البته بعد از ظهور اسلام اتحاد و اتفاقی بین این قبائل پیدا

---

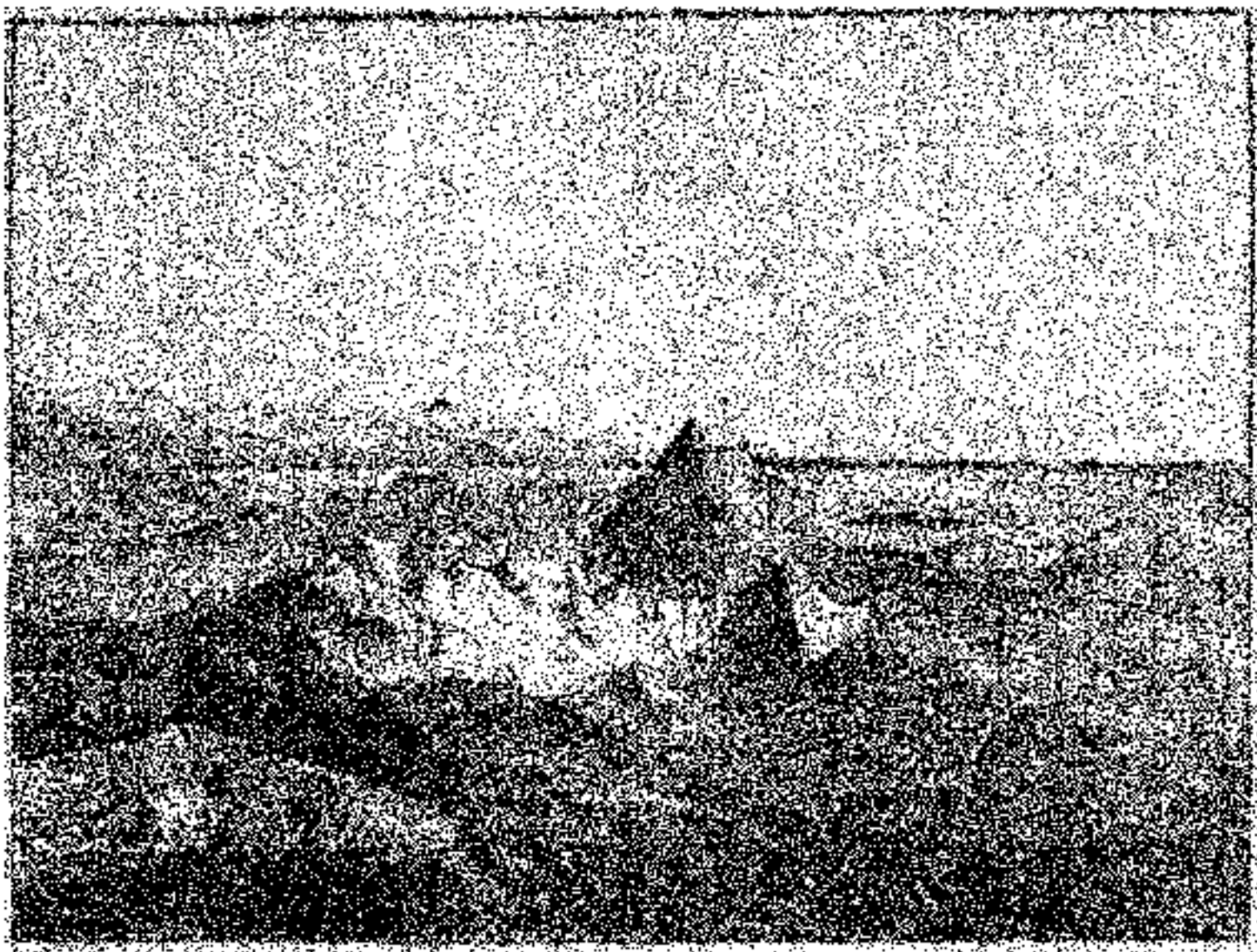
۱ - نظر باینکه نویسنده مالکی که جزو حکومت قدیمه عرب بود همه را سیاحت کرده معض دست آوردن مواد بهتری و تکمیل اطلاعات خود مایل بودم داخنة عربستان را هم سیاحت کنم این بود از مدیر اداره تعینات که بودجه مخارج اکتشافات علمیه دست او بود تقاضا نمودم که در انجام مقصود فوق بامن کمک مالی کند ولی او این تقاضا را رد کرد و چون بودجه شخصی من برای مخارج سیاحت مزبور کافی نبود لذا بهمین سیاحت های نامبرده که سهل الوصول بود ناچار شده اکتفا نمایم ( مصنف ) .

شد ولی بعد از انحطاط اسلام دو باره عرب بحالت سابق خود برگشته باستثنای نجد و یمن و عمان تمام کشور بین قبائل کوچک تقسیم گردید که غیر از شیخ قبیله حکومت دیگر را نمیشناختند و اینک ماقسمتهائی را که در فوق ذکر نمودیم هر یک را ذیلاً بطور اجمال بیان می نماییم.

### قسمت اول

حجاز شمالی که علمای جغرافی عرب چنانکه ذکر شد آنرا از عربستان خارج ساخته اند لیکن از نقطه نظر موقع یا سکنه هر کدام باشد لازم است آنرا جزء عربستان قرار دهیم و تمام شبه جزیره سینا و آن قطعانی که از فلسطین تا بحر احمر واقع است تماماً جزء قسمت فوق میباشد. حجاز شمالی قطعه ایست کوهستانی و در وسط شبه جزیره سینا که داخل در همین قسمت میباشد کوه مشهور سینا واقع است. اراضی اطراف آن تماماً سنگلاخ و فقط نقاط قریب بدریا ریگستان است. در این حدود جنس روئیدنی و سبزه خیلی بندرت پیدا شده آنها بحالت خیلی پژمرده. اگر چه این نقطه بکلی خشک و بی حاصل است ولی در تاریخ عالم مشهور و نام بلندی را حائز میباشد و این همان خطه ایست که در تورات بنام (ادومیه) (۱) نامیده شده است. اقوام عمالقه و مدیانیه و بنطیه که ذکر آنها در هر صفحه ای از کتب عبرانی موجود است در همین سرزمین مسکن داشتند و آن سرزمینی است که بنی اسرائیل در صحراهای آن قبل از وصول بارض موعود سالها سرگشته و حیران بوده اند. علائم و نشان های کوه مقدس طور یعنی همان محلی که موسی از آنجا برای بنی اسرائیل قانون آورد و سنگی که بر اثر ضربت تعصای موسی چشمه های آب از آن جاری شد هنوز موجود و مسافرین و سیاحان تماشا میکنند. غار (جبل حوریب) که ایلدای بیغمبر جانش را از غضب ملاکه ایزائیل در آن غار نجات داد هنوز باقی است. شهر پترا (۲) که قدیم یکی از تجارتگاههای معظم قسمت جنوبی قسمت عربستان بوده و مخصوصاً قبایل یمن گندر و عطاریات بانجا برده و در عوض از محصولات فینیقیّه حمل مینمودند آثار آن در این ارض مقدس مشهود میباشد. نجد ناحیه بسیار وسیع زر خیزی است که

۱- Idumée. ۲- Pétra.



(۲) . منظره شهر سینا

در وسط عربستان واقع شده و از چهار طرف محصور است بچبیل و ربکستان و آن مخصوص به طایفه و هابیهها میباشد و راجع بآن معلوماتی که در دست است جدیداً حاصل شده چنانکه راجع باهالی آنجا **پالنگراو** مینویسد: « در میان اهالی نجد مثل اهالی شفیلد و بیرمنگام (۱) معمار و صنعتگرانی پیدا میشوند که قابل ساختن آلات مکانیکی میباشد ». در جای دیگر سیاح فوق مینویسد: « اینکه عربستان از معالک و حشیه معرفی شده برای اینست که اکثر سیاحان از سواحل و سرحدات این کشور هیچ نتوانسته اند قدمی جلوتر گزارده از داخله آن معلوماتی بدست آورند » .

اگر چه در سال ۱۸۱۰ و سال ۱۸۱۸ میلادی مصریان شکستهای پی در پی بوهابیهها وارد ساخته آنانرا مغلوب نمودند ولی چیزی نگذشت که حکومت آنها بحالت اولی برگشت .

۱- Sheffield, Birmingham ، شفیلد و بیرمنگام از شهرهای صنعتی انگلستان و کارخانه های فلز سازی زیادی در آنجا موجود است .

سلطان و اهالی اغلب اوقات در شهر ریاض بسر میبرد. بیشتر شغل اهالی اینجا زراعت و فلاحت میباشد. چنانکه سیاح مذکور مینویسد بواسطه وفور پیداوار و محصولات این صفحه و مخصوصاً از مرغوبی خرماهای این حدود ثابت میشود که اهالی آن در زراعت و فلاحت مستعد و قابلند.

کشور حجاز در ساحل بحر احمر واقع شده و شهرتی را که در تاریخ حائز میباشد برای این است مکه و مدینه که از شهرهای مقدس مسلمین و مرکز نشو و نمای دین اسلام بوده در اینجا واقع است. مسلمین دنیا هر ساله یکمرتبه برای زیارت بیت الله در مکه جمع میشوند. بعضی از نقاط حجاز حاصلخیز است لکن قسمت بیشتر اراضی آن خشک و شوره زار میباشد.

سلطنت حجاز ظاهراً با سلطان عثمانی ولی در معنی با شریف مکه است که اغلب در طایف بسر میبرد.

مکه شهری است که در یک بیابان لم یزرعی واقع شده و شاید در غیر عربستان در هیچ جای دنیا نتوان نظیری برای آن پیدا کرد و آن بدرجهای شوره زار است که ابداً قابل زراعت نیست و اهالی آن از جدّه که کنار بحر احمر واقع و در حقیقت بندر گاه مکه است تمام ضروریات زندگی خود را فراهم میکنند.

این شهر که آنرا **ام القری** مینامند اروپائیان تا یکمدت طولانی از آن بکلی بیخبر بودند و امروزه هم بواسطه خوف جان کسی جرأت نمیکند که بسیاحت آنجا برود و چند نفر سیاح هم که بلباس مبدل اقدام باین امر نمودند برای این بوده که در زبان عربی فوق العاده ماهر بوده اند و البته با این ترتیب میتوان تصدیق کرد که وسائل تحصیل حقایق و معلومات صحیحه از این شهر تا چه اندازه برای ما محدود بوده است و ما اینوقت حقیقه از سر هنگ **صادق بیک** یکی از صاحبان لایق مصری، متشکریم که فقط او در مسافرت خویش بحجاز عکسهای آنجا را برداشته و آن عکسها در سنه ۱۸۸۱ وارد اروپا گردید، تصاویری که در این کتاب بنظر قارئین میرسد از روی عکسهای او گراور شده است.

مکه از حیث معماری بر تمام شهرهای عربستان مزیت دارد چه ابنیه و عمارات



(۴) - از واحات آدهاب در خلیج الانی تیک

آنجا از روی قواعد علمی بنا شده است. در مکه آب خیلی کم است و آب مشروب آنجا را از کوه عرفات که چندین فرسخ مسافت دارد میآورند. در آنجا نهریست که آن را به زبیده زوجه هرون الرشید نسبت میدهند. در موسم حج مکه مرکز تجارت هر گونه امتعه و اجناس قیمتی قرار میگیرد.

علت عمده بر تری و اشتها مکه که آنرا ام القری نامیده اند برای مسجدیست که در وسط آن کعبه واقع شده و بموجب اقوال مورخین اسلام بنای آن بادت ابراهیم صورت گرفته است ولی چیزی که هست بعد از پیغمبر اسلام خلفا و سلاطین و کشور ستانان اسلام یکی بعد از دیگری در این خانه مطابق عقاید مذهبی خود تعمیراتی نموده و بر تجملات و تزئینات آن افزوده اند. تا اینکه در امروزه شاید از قسمت های قدیم آن چیزی باقی نمانده باشد.

شکل مسجد، مربعی است متساوی الاضلاع. بعد از دخول در آن يك صحن

بزرگ با شکوهی بنظر میآید که از چهار سمت آن ستونهای زیادی پهلوی هم نصب و از میان آنها گنبدهای کوچکی بکثرت نمایان و مناره هائی در چهار سمت این مربع بنا نموده اند که نهایت درجه مجلل و باشکوه میباشد.

بسیاری از مساجد دیگر را هم مثل مساجد دمشق که خود نگارنده دیده ام مطابق نقشه مسجد مکه بنا نموده اند ولی نقشه مساجد قاهره بکلی مخالف و نیز بهین ساخت مناره ها و تزئینات داخلی آنها با مسجد مزبور فرق کلی موجود میباشد.

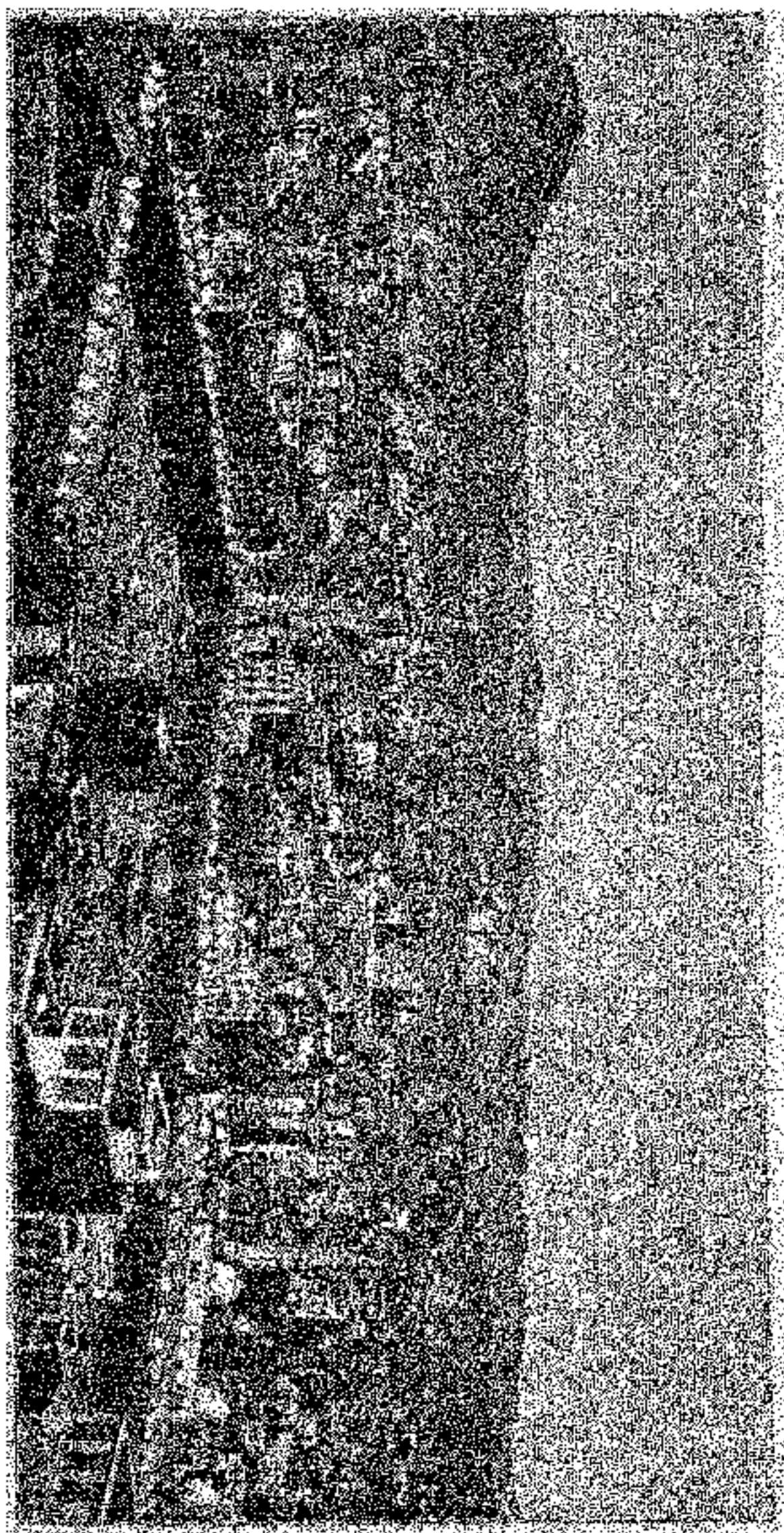
خانه کعبه در صحن مسجد واقع شده و آن عبارت از یک معمارت مکعبی است که از یک پارچه سنگ حجاری شده بنا گردیده و ارتفاع آن بطور تقریب ۴۰ پا و طول آن ۱۸ و عرض آن ۱۴ پا میباشد (۱). برای دخول در اندرون کعبه روزنه ایست که معادل ۷ پا ارتفاع آن از زمین میباشد و از این رو محتاج بنصب نردبان است تا بوسیله آن بتوان داخل خانه گردید و قسمت داخلی آن عبارت از حجره ایست که از سنگ مرمر مفروش و قندیلهای زیادی از طلا در اطراف آن آویزان و دیوار آن از چهار طرف با کتیبه های قشنگی زینت یافته است. اسباب زینت و تجمل داخل کعبه همیشه قابل تقدیر بوده و بهترین بیانی که درین باب از نظر ما گذشته توصیفی است که ناصر خسرو در سفر نامه خود درج نموده است.

او از سال ۱۰۳۵ تا سال ۱۰۴۲ میلادی مسافرتی نموده و سفر نامه ای هم که فوق العاده دلچسب میباشد ترتیب داده و مسیوشفر (۲) رئیس دانشگاه السنه شرقی اخیراً آنرا چاپ و منتشر ساخته است. او می نویسد: «دیوارهای خانه همه از نخته های رخام الوان پوشیده و بر جانب غربی آن شش محراب است که از نقره ساخته شده و با میخ بر دیوار دوخته و طول هر یکی بالای مردی با تکلفات بسیاری از زر کاری و مواد سیم سوخته و چنانستکه این محرابها از زمین بلندتر است و مقدار چهار ارش دیوار خانه از زمین برتر ساده است و بالا تر از آن همه دیوار از رخام است تا سقف بنقارت و نقاشی کرده و اغلب بزر پوشیده» (۳).

طرف خارج یکی از دیوارهای خانه، سنگ سیاه معروف (حجر الاسود) که

۳- از سیاحت نامه ناصر خسرو اقتباس شده. ۲-M. Schefer. ۱-Burkhardt.





(د) مکتبہ مطبوعہ و چاپخانه کتبہ

بعقیده عرب زمان بنای کعبه ملائکه آنرا برای **ابراهیم** که پای خود را روی آن گذاشته مشغول بنای کعبه شود از بهشت آوردند نصب مییابد. قطر این سنگ تقریباً یکوچب میشود و از زمان **ابراهیم** تا اینوقت که چند هزار سال گذشته است این سنگ همیشه مورد تعظیم و تکریم بوده است و شاید نتوان در دنیا يك چیز متبرکی پیدا کرد که مثل این سنگ از سالیان دراز رتبه و مقامش محفوظ مانده باشد چه از چند قرن قبل از پیغمبر اسلام تا امروز این سنگ مقدس شمرده شده تعظیمش مینمایند.

روی خانه کعبه همیشه يك پرده سیاهی کشیده شده مگر طرف حجر الاسود را که باز گذاشته اند. این پرده چندین ذراع از زمین ارتفاع دارد. در ایام حج کمر بندی را که آیات قرآنی با حروف طلا در آن نقش شده است بوسط کعبه می بندند. غلاف خانه کعبه در هر سال یکمرتبه عوض میشود. در صحن مسجد یعنی همان محلی که مطابق روایات عرب **هاجر اسماعیل** را از شدت عطش بحالت تزع دید و از معجزه **اسماعیل** فرشته ای چشمه آبی ظاهر ساخت يك عمارت مربع دیگری روی آن بنا شده است.

**مورخین عرب عده نفوس مکه را یکصد هزار نفر مینویسند لیکن از روی تخمین بورکهارد امروزه نفوس آن مزبست هزار نفر تجاوز نمیکند بعد از مکه بعقیده مسلمین مدینه که جزو حجاز و پایتخت قدیم عرب است مقدس ترین مشاهد و مقامات میباشد چه پیغمبر اسلام از مکه هجرت بمدینه نمود و آن نقطه را مرکز اشاعت دین اسلام قرار داد و بالاخر در همانجا هم دار فانی را وداع نمود.**

اطراف مدینه هم مثل مکه بیابانی است غیر قابل زرع و اهالی آن ما بحتاج زندگانی خود را از بیبوع که مثل جدّه در کنار بحر احمر واقع و بتدر گاه مدینه است تهیه مینمایند.

شهر مدینه هم بواسطه حسن عقیدت زائرین بیت الله نهایت پرتکلف بنا شده است عمارات آن از سنگهای تراشیده ساخته و اغلب دو طبقه میباشد. طرق و شوارع آن با سنگ فرش شده و حصار مرتفعی هم دور شهر کشیده اند. غیر از مسجد پیغمبر صا که محل و عطش بوده و اینك مزاروی میباشد بنائی قدیم در آنجا پیدا نمیشود ولی همین يك بناء هم برای تعظیم و تکریم این شهر کافی است و بواسطه همین يك عمارت است که در نظر حجاج مدینه هم مثل مکه مقدس و متبرك شمرده میشود.



دیار اثیر - بین حجاز و یمن خطه ایست وسیع که آنرا دیار اثیر می نامند ، تا اوایل قرن نوزدهم هیچکدام از سیاحان اروپا نتوانستند محل نامبرده را سیاحت نمایند و آن مشتمل است بر قری و قصبات مهم زیاد و اهالی آن سلاحشوری و جنگجویی معروف میباشند . یمن - این سرزمین در قسمت جنوبی شرقی جزیره العرب واقع شده و در تمام عربستان نقطه ای خرم تر و حاصلخیز تر از آن نیست . سکنه آن جمعی تجارت پیشه و برخی دیگر بوسیله فلاحت اوقات بسر میبرند . یمن از قدیم با مصر و هند و ایران دارای روابط تجارتنی بوده است . سلطان یمن را امام میگویند و پایتختش صنعاء است که دارای شصت هزار نفوس میباشد . راجع بان **ادریسی** <sup>(۱)</sup> چنین مینویسد :

« صنعاء دار السلطنه عربستان و پایتخت سلاطین یمن است . ابنیه و قصور سلطنتی این شهر معروف تمام دنیا است . علاوه برین ، عمارات عدیده دیگری وجود دارد که باغها و بساطین پر طراوت و تزیینی آنها را از اطراف احاطه کرده اند . منازل و مساکن معمولی شهر با سنگهای تراشیده بنا شده و درهای آنها از شیشه است ، بیست مسجد که گلدسته و مناره هاشان آنها باطلا زینت یافته است موجود و شهر بواسطه آنها مقام شهرت را حائز و بر رونق آنها افزوده است . »

**گرو تاندان** <sup>(۲)</sup> که صنعاء را سیاحت کرده در باب سواری امام یمن در روز های جمعه چنین مینویسد : « اولاً یکعده مرکب از بیجاها نفر از اعراب مسلح بدوی شش تن شش تن صفت بسته جلوتر از همه بحالت رجز خوانی حرکت میکنند ، سپس شاهزادگان و صاحب منصبان ارشد با نیزه های بلند که بالای سر هر یک بیرقی افراشته است سوار بر اسب میگذرند . آنگاه صورت خود امام نمودار میشود در حالتیکه بر یک اسب راهوار سفیدی که رنگ آن چشمه را خیره میکند سوار میباشند ، اسب مزبور از نژاد اسبهای وادی جوف <sup>(۳)</sup> واقع در شمال صنعاء از حیث قامت بلندتر از اسبهای نجد ، لیکن در قشنگی و سرعت سیر پهای آن نمیرسد ، در دست راست امام نیزه ایست که سر آن از نقره و دسته

۱- ابو عبدالله ابن ادریس در تاریخ و جغرافی مقام شهرت را حائز میباشند . او در دیار را جر پادشاه سیبیل داری شغل مهم بوده است . ولادتش ۱۰۹۹ ، وفات ۱۱۶۴ میلادی است .

۲-Cruttenden. ۳-Djóf.